

حلف الفضول، بستر تاریخی و تحریفات با تأکید بر منابع فریقین

محمدیاسر بیانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

چکیده

اقتضائات زندگی اجتماعی باعث شده است، انسان نیازهای خویش را در قالب روابط مسالمت‌آمیز با اطرافیان برآورده سازد. یک نمونه از همبستگی‌های اجتماعی و روابط مسالمت‌آمیز در دوران قبل از بعثت رسول خدا ﷺ با توجه به زندگی قبیله‌ای، بستن پیمان و تعهد به پابندی بر آن است که به صورت‌های مختلف و با نام خاصی همچون حلف، جوار و ... منعقد می‌گردید. بر همین اساس پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی یکی از بافضیلت‌ترین پیمان‌ها، به نام «حلف الفضول» در بستر تاریخ می‌پردازد. در این پژوهش با جمع‌آوری مطالب از منابع فریقین به روش کتابخانه‌ای، اصل چگونگی انجام این پیمان، حضور یا عدم حضور بنی‌امیه و بنی‌عباس در آن و میزان استفاده از این پیمان در طول تاریخ مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد حلف الفضول، پیمانی بود که بین چند طائفه مشهور مکه با حضور رسول خدا ﷺ پیش از بعثت در ماه ذی‌القعدة مبتنی بر گرفتن حق مظلوم از ظالم منعقد گردید. نکته قابل توجه، عدم حضور افرادی از قبیله بنی‌امیه و بنی‌عباس در این معاهده و وجود شواهدی مبنی بر مورد استفاده قرار گرفتن این پیمان در طول تاریخ تا زمان امام حسین ﷺ و امضاء این پیمان توسط اهل بیت ﷺ به تاسی از رسول خدا ﷺ می‌باشد.

واژگان کلیدی: حلف الفضول، رسول خدا، تحریف، بستر تاریخی، پیمان

۱. دانش آموخته سطح ۳ مذاهب اسلامی، مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم‌السلام. bayani59@gmail.com

مقدمه

زندگی معمول و رایج عصر جاهلیت در شبه جزیره عربستان، به صورت قبیله‌ای اداره می‌گردید و مردم تحت یک حکومت مرکزی و واحد نبودند. هر قبیله، حافظ منافع افراد قبیله خودش بود. بنابراین اگر فردی خارج از قبیله وارد آن منطقه می‌شدند، حامی نداشت. از این روی برای مورد حمایت قرار گرفتن افراد خارج از قبیله، پیمانی به نام «حلف» منعقد می‌گردید.

برقراری این قراردادها با توجه به زندگی قبیله‌ای، جایگاه خاصی را در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایفا می‌کرد. معنای حلف این بود که هر کسی از خارج از شهر می‌آمد، به قبیله‌ای وابسته می‌شد تا مورد حمایت آنها قرار بگیرد. البته تنها این مورد، از مفاد حلف نبود بلکه هدف از این پیمان‌ها عموماً جلوگیری از بی‌نظمی و اغتشاش و مقاومت در برابر دشمنان قریش و حمایت از خانه کعبه و ... بود.

پیمان «حلف الفضول»، یک نمونه از شریف‌ترین و با فضیلت‌ترین پیمان‌ها است که در دوران جوانی رسول خدا ﷺ قبل از بعثت ایشان منعقد گردید. از خصوصیات بارز آن حضور رسول خدا ﷺ در این پیمان است.

از این روی این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع فریقین در پی پاسخ به این مسائل است که اصل انعقاد این پیمان چگونه بوده و چه آثار و پیامدهایی بر آن مترتب می‌گردید؟ در رابطه با تحریفات صورت گرفته نسبت به حضور بنی‌امیه و بنی‌عباس در این پیمان، چه پاسخی می‌توان ارائه نمود؟ استفاده از این پیمان در چه بستر تاریخی صورت گرفته است؟

۱. پیشینه پژوهش

ماجرای حلف الفضول یکی از مباحث تاریخی در زمان عصر جاهلیت است که در سنین نوجوانی رسول خدا ﷺ اتفاق افتاده است. لذا از دیرباز مورد توجه مورخین بوده است و هر کسی به نحوی در نوشتارش به آن اشاره کرده است.

در خصوص پیشینه این موضوع باید گفت که با کاوش‌های صورت گرفته در سایت‌ها

و کتب تاریخی گذشته، مطالبی بعضاً جسته و گریخته در آنها دیده شده است؛ اما نوشته‌ایی که به صورت مستقل به این موضوع پرداخته شده باشد و جامع همه جوانب مرتبط با موضوع باشد که به بحث تحریفات و بستر تاریخی آن پردازد، یافت نشد.

لذا در این نوشته سعی شده است که به تمامی جوانب این موضوع هرچند به‌طور مختصر پرداخته و با رجوع به منابع معتبر، تجمیعی از همه مطالب صورت بگیرد و در حد توان به آن مباحث اشاره گردد.

برخی از مقالاتی که به موضوع حلف الفضول اشاره‌ای داشتند عبارتند از: مقاله «حلف الفضول» نوشته احمد محمد بریری، چاپ شده در مجله منبرالاسلام در ذی الحجه ۱۳۸۳ق شماره ۱۲، مقاله «حلف الفضول» نوشته محمد احمد محمد، چاپ شده در مجله منبرالاسلام در رمضان ۱۴۰۸ق شماره ۹ که به صورت قصیده نوشته شده است، مقاله «حلف الفضول پیمانی فراقبیله‌ایی در حمایت مظلوم» نوشته سید محسن کاظمی که در دانشنامه حج و حرمین به چاپ رسیده است، مقاله «احیای حلف الفضول، سمبل عدالت در سیره رسول» نوشته مجید حبیبیان نقوی و سیده شریفه نبوی در مجله اندیشه تقریب که در سال ۸۶ در ویژه‌نامه شماره ۲ به چاپ رسیده است.

نویسنده پژوهش حاضر، با گرامی داشت زحمات گذشتگان، تلاش کرده است که تحقیقی جامع را صورت دهد.

۲. مفهوم شناسی حلف

حلف در لغت به معنای قَسَم و سوگند خوردن است. و مترادف یمین می‌باشد. جمع حلف، احلاف است که به معنای سوگندها است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق: ۲۸۵/۳).

لفظ حلف یک بار در قرآن کریم، آن هم در سوره مائده آیه ۸۹ آمده است. اما کلمات مترادف حلف، مانند «ایمان» ۱۳ بار در قرآن آمده است.

در اصطلاح، عرب زبانان واژه حلف را به معنای عهد و پیمان به کار می‌برند، و به شخص هم‌پیمان، خلیف و به هم‌پیمانان احلاف و یا خُلَفاء می‌گویند. واژه دیگری که از نظر لفظی، مشابه حلف است، واژه حَلَف به معنای سوگند است. که در واقع این دو کلمه با هم ارتباط دارند. درباره ارتباط میان این دو واژه گفته شده است که «حَلَف (پیمان) منعقد

نمی‌شود مگر به حلف (سوگند)، و هم‌پیمانان سوگند یاد می‌کنند که به عهد و پیمان خود وفادار باشند (فراهیدی، ۱۴۰۵ق: ۲۳۱/۳ ذیل واژه حلف؛ جوهری، ۱۳۶۸ش: ۱۳۴۶/۴، ذیل واژه حلف).

۳. ماجرای «حلف الفضول»

حلف الفضول، پیمانی بود که بین چند طائفه مشهور مکه بسته شد. این پیمان در اواخر عصر جاهلیت و در زمانی بسته شد که رسول خدا ﷺ در سن نوجوانی به سر می‌برد.

از خصوصیات بارز این قرارداد، حضور رسول خدا ﷺ در آن می‌باشد. همین امر باعث شد که این قرارداد جزء مهم‌ترین و شریف‌ترین پیمان‌های قبل از اسلام باشد. در شرافت این پیمان همین بس که رسول خدا ﷺ در مورد این پیمان فرمود: «لَقَدْ شَهِدْتُ فِي دَارِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُدْعَانَ حِلْفًا مَا أَحَبُّ أَنْ لِي بِهِ حُمْرَ النَّعَمِ، وَلَوْ أَدْعَى بِهِ فِي الْإِسْلَامِ لَأُجِبْتُ». همراه عموهای خود در خانه عبدالله بن جدعان شاهد پیمانی بودم که اگر همه شتران سرخ موی را به من دهند، دوست ندارم به آن خیانت کنم و اگر امروز هم مرا به مانند آن دعوت کنند، می‌پذیرم (ابن هشام، ۱۳۷۵ق: ۱۴۲/۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۲/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۸ق: ۲۵۳/۲؛ حلبی، ۱۴۲۷ق: ۱۹۱/۱؛ جمال‌الدین مزی، ۱۴۰۰ق: ۳۵۲/۱).

این پیمان به سبب حضور رسول خدا ﷺ دارای ارزش ویژه‌ای بود و مایه مباهات و افتخار قبایل بود و حتی شرکت در آن را معیار تقدم می‌دانستند. خلیفه دوم، حضور در حلف الفضول را یکی از معیارهای تقدم قبایل برای برخورداری بیشتر از عطا و مقرری بیت‌المال به شمار می‌آورد (شافعی، ۱۴۱۰ق: ۱۶۶/۴؛ ابن حنبل، ۱۴۲۲ق: ۴۲۳/۳) این پیمان به جهت اهمیتش، قبل از اسلام به عنوان مبدأ تاریخ قرار گرفته بود (مسعودی، ۱۳۶۵ش: ۲۰۹).

ماجرا از این قرار بود که مردی از قبیله «زبید» به مکه آمد و مالی را به شخصی به نام «عاص بن وائل سهمی» - پدر عمرو بن عاص - فروخت، و هنگامی که به سراغ پول آن کالا رفت عاص بن وائل از پرداخت آن خودداری کرد و مرد زبیدی را از نزد خود راند. آن مرد به نزد برخی از سران قریش از جمله بزرگان بنی‌امیه رفت و از آن‌ها برای گرفتن حق خود کمک خواست، ولی آنها حاضر نشدند او را یاری کنند و حقش را باز پس گیرند. مرد زبیدی که خود را بدون حامی و یاور دید، به بالای کوه ابوقیس رفت و با

صدای بلند شعری را خواند و بدینوسیله ظلمی که بر او روا شده بود را به گوش مردم مکه رساند.

بنابر نقل تاریخ، او چنین گفت:

یا آل فھر لمظلوم بضاعته	ببطن مکه نائی الدار والقفرو
محرم اشعث لم یقض عمرته	یا للرجال و بین الحجر والحجر
ان الحرام لمن تمت کرامته	و لاحرام لثوب الفاجر الغدر؛

ای خاندان فھر - نام یکی از اجداد قریش - برسید به داد ستم‌دیده‌ای که در وسط شهر مکه کالایش را به ستم برده‌اند و دستش از خانه و کسان دور است، و ای مردان برسید به داد مُحرمی ژولیده که هنوز عمره‌اش را بجای نیاورده و میان حجر اسماعیل و حجرالاسود گرفتار است. به‌راستی که حرمت و احترام برای آن کسی است که در بزرگواری تمام باشد، و جامه فریب کار احترامی ندارد».

بنابر نقل دیگر آن شخص این چنین شعر سرود:

«یا آل قصی کیف هذا فی الحرم؟ و حرمة البيت و اخلاق الکرم؟

اظلم لایمنع منی من ظلم؛

ای خاندان «قصی» - نام یکی از اجداد قریش - این چه ناامنی و زندگی ظالمانه‌ای است در حرم امن خدا؟ و این چه حرمتی است که برای خانه خدا نگاه داشته‌اید و چه اخلاق پسندیده‌ای؟ که به من ستم می‌شود و کسی نیست که از من دفع ظلم کرده و جلوی ستم را بگیرد؟».

در هر صورت، فریاد مرد زبیدی در شهر مکه طنین‌انداز شد. با شنیدن این صدا، زبیر بن عبدالمطلب که عموی رسول خدا ﷺ است از جا حرکت کرد و گفت: این فریاد را نمی‌توان نشنیده گرفت. سپس به سراغ بزرگان قبائل قریش رفت، تا آنها را با خود همراه کند و در خانه شخصی به نام «عبدالله بن جدعان» اجتماع کرده و در آنجا معاهده «حلف الفضول» را منعقد ساختند، و دست‌های خود را به نشانه تعهد، در آب زمزم فرو بردند. به دنبال این پیمان به نزد عاص بن وائل رفتند، و حق مرد زبیدی را از او گرفته و به او پس دادند (ابن هشام، ۱۳۷۵ق: ۱/۱۳۴؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م: ۱/۲۸؛ یعقوبی، ۱۳۵۸ق: ۲/۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۸ق: ج ۲/۲۵۳؛ یوسفی غروی، ۱۴۱۷ق: ۱/۳۱۲).

ضرورت دارد برای شناخت بهتر از این واقعه تاریخی، این مسئله را در چند بخش مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۳. زمان و مکان پیمان

بنابر نقل تاریخ این پیمان بعد از جنگ‌های فجار و در سال ۲۰ عام الفیل بسته شده است. جنگ‌های فجار که در ماه شوال روی داده است دو ماه بعد از آن یعنی در ماه ذی‌القعدة، این معاهده منعقد شد (ابن سعد، ۱۹۶۸م: ۱۲۸/۱؛ یعقوبی، ۱۳۵۸ق: ۱۸/۲).

البته پاره‌ای از منابع تاریخی زمان بستن این پیمان را پنج سال پیش از بعثت ذکر کرده‌اند (ابن سعد، ۱۹۶۸م: ۱۲۸/۱؛ بغدادی، ۱۴۰۵ق: ۱۷۴؛ یعقوبی، ۱۳۵۸ق: ۱۸/۲؛ ابی‌شهبه، ۱۴۲۷ق: ۲۱۳/۱؛ عاملی، ۱۴۲۷ق: ۲۲۸/۲).

ابن کثیر در کتابش آورده است که پیمان حلف‌الفضول، چهار ماه بعد از جنگ‌های فجار و در سال بیستم قبل از بعثت روی داده است. او معتقد است که جنگ‌های فجار در ماه شعبان رخ داده و حلف‌الفضول چهار ماه بعد یعنی در ماه ذی‌القعدة اتفاق افتاده است (ابن کثیر، ۱۴۱۸ق: ۲/۲۵۳).

در مکان و محل وقوع قرارداد اختلافی نیست. به اتفاق تاریخ این پیمان در منزل شخصی به نام «عبدالله بن جدعان» بسته شد. پس از اینکه عموی رسول خدا ﷺ چند طایفه در دارالندوه گردهم آورد، به منزله عبدالله بن جدعان که از بزرگان آن زمان مکه بود رفتند و در آنجا با هم، پیمان حلف‌الفضول را منعقد کردند (ابن سعد، ۱۹۶۸م: ۱۲۸/۱؛ یعقوبی، ۱۳۵۸ق: ۱۰/۲؛ عاملی، ۱۴۲۷ق: ۲۲۹/۲).

۲-۳. مفاد و بندهای پیمان‌نامه

در خصوص مفاد پیمان‌نامه چند نقل قول صورت گرفته است. اما یک مورد در تمام این اقوال مشترک است که در منابع مهم تاریخی به همان یک مورد اشاره شده است.

مسعودی آورده است: «فاتفقوا علی انهم ینصفون المظلوم من الظالم» یعنی داد مظلوم را از ظالم بگیرند (مسعودی، ۱۳۶۵ش: ۲۰۹). همین تعبیر را ابن جوزی در کتابش آورده است و پیمان مزبور را مبتنی بر گرفتن حق مظلوم از ظالم دانسته است (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۳۰۸/۲).

اما در برخی منابع، مفاد قرارداد کمی گسترده‌تر بیان شده است. مثلاً در روایتی به نقل از ابن اسحاق آمده است: «قبایل حاضر در پیمان، عهد بستند بر این که در شهر مکه، هیچ ستم‌دیده‌ای را نیابند مگر آنکه در کنار او بایستند، و با او بر ضد کسی باشند که بر وی ستم کرده است تا اینکه آنچه را که به ستم گرفته، به ستم‌دیده باز گردانند، خواه آن ستم‌دیده از اهل مکه باشد، و خواه غیر ایشان از دیگر مردمی که وارد مکه می‌شوند» (ابن هشام، ۱۳۷۵ق: ۱/۱؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۲/۴۱).

ابن جوزی نقل دیگری را آورده است که طی این قرارداد امضا کنندگان در مکه، ظلمی را تقریر و تأیید نمایند، بلکه آن را تغییر دهند (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۲/۳۰۸). و یا در گزارش دیگر نیز چنین است: «هرگاه ستمی بر کسی روا شود، ایشان جانب‌دار مظلوم، و بر ضدّ ظالم باشند تا اینکه حق مظلوم را از ظالم بستانند چه ظالم، فردی شریف باشد و چه پست و فرومایه» (بغدادی، ۱۴۰۵ق: ۱۶۷).

احمد بن ابی یعقوب در کتابش مفاد را این گونه نقل کرده است: «... پیمان بستند بر اینکه به بیگانه و غیر آن ستم نکنند، و بر اینکه حق مظلوم را از ظالم بازپس گیرند (یعقوبی، ۱۳۵۸ق: ۲/۱۸).

در برخی از منابع بندهای دیگری هم به موارد فوق‌الذکر اشاره شده است که آن بندها عبارتند از: طی این قرار داد، امضا کنندگان پیمان موظفند: ۱- ظالم را از ظلم کردن باز دارند؛ ۲- مردم را از منکری باز دارند؛ ۳- به تهیدستان در مال و معاش کمک کنند (بغدادی، ۱۴۰۵ق: ۱۸۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۲/۲۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۲/۳۱۱؛ ابن هشام، ۱۳۷۵ق: ۱/۱؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م: ۱/۱۲۹؛ عاملی، ۱۴۲۷ق: ۲/۲۲۹).

ابن کثیر لفظ معاهده را با تعبیر دیگری آورده است و مواد دیگری را به مفاد مذکور اضافه کرده است، او در کتابش آورده است: «تعاهدوا و تعاهدوا بالله لیکونن یداً واحداً مع المظلوم علی الظالم حتی یؤدی الیه حقه ما بل بحر صوفه و ما رسی ثیبر و حراء مکانهما و علی التأسی فی المعاش» با هم عهد و پیمان می‌بندیم تا در برابر ظلم متحد باشیم و حق مظلوم را از ظالم بگیریم. بر این عهد خود پایبندیم تا دریاها پابرجاست حتی به یک قطره و کوه حرا و رسی وجود داشته باشند (ابن کثیر، ۱۴۱۸ق: ۲/۲۵۳).

۳-۳. طوایف و اعضای شرکت کننده در پیمان

در خصوص اعضای پیمان حلف الفضول اختلافاتی وجود دارد. برخی از منابع تاریخی نقل کردند که قبایل شرکت کننده در حلف الفضول همان شرکت کنندگان در حلف المطیین هستند (یعقوبی، ۱۳۵۸ق: ۱۷/۲؛ مسعودی، ۱۳۶۵ش: ۱۷۹؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق: ۲۱۷/۱۰).

اما آنچه که آشکارا از منابع تاریخی به دست می آید پیمان مورد بحث ما با حلف المطیین متفاوت است و این دو، دو پیمان جدا از هم هستند.

در هر صورت در تاریخ آمده است که چند طایفه از قریش در این پیمان شرکت کردند. طوایفی که در این پیمان حضور داشتند، عبارت بودند از بنی هاشم و بنی مطلب، بنی زهره بن کلاب، بنی تیم بن مره، و بنی اسد بن عبدالعزی بن قُصی (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۳۱۰/۲؛ ابن هشام، ۱۳۷۵ق: ۱۴۱/۱؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م: ۱۲۹/۱؛ بغدادی، ۱۴۰۵ق: ۵۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۲۴/۲ و ۲۶ و ۲۷؛ عاملی، ۱۴۲۷ق: ۲۲۹/۲).

برخی از منابع قبایل دیگر مانند بنی حارث بن فهر را نیز به لیست بالا اضافه کردند (یعقوبی، ۱۳۵۸ق: ۱۸/۲). اما باید گفت که منابع تاریخی در مورد حضور آنها اتفاق نظر ندارد.

همچنین برخی از مورخین منکر حضور بنی اسد بن عبدالعزی در این پیمان شدند (اصفهانی، ۱۴۱۵ق: ۱۹۱/۱۷؛ عاملی، ۱۴۲۷ق: ۲۲۹/۲).

ابن کثیر، تنها نام سه قبیله بنی هاشم، بنی تیم بن مره و بنی زهره بن کلاب را آورده است (ابن کثیر، ۱۴۱۸ق: ۲۵۳/۲).

ابن سعد از آنجایی که بنی مطلب را در شمار بنی هاشم دانسته، با حذف نام بنی مطلب و بنی حارث، شرکت کنندگان در پیمان را به بنی هاشم و بنی زهره و بنی تیم منحصر کرده است (ابن سعد، ۱۹۶۸م: ۱۲۸/۱).

با نگاه به همه اقوال در خصوص طوایف شرکت کننده در معاهده حلف الفضول، می بینیم که یک قبیله وجه مشترک تمام آنهاست و هیچ یک از منابع نتوانستند آن نام را حذف کنند و آن هم بنی هاشم است که در این پیمان مقدم و پیش رو بودند و این فضیلت منحصر به آنهاست.

نکته مهمی که در خصوص اعضای پیمان‌نامه وجود دارد این است که برخی از طوایف یا وارد این پیمان نشدند و یا اینکه پس ورود به پیمان و مواجه شدن با عاص بن وائل از این پیمان خارج شدند.

مثلاً بنی‌عبدشمس و بنی‌نوفل، که از تیره‌های بنی‌عبدمناف هستند از این پیمان خارج شدند، زیرا این پیمان بر ضد بنی‌امیه و هم‌پیمان آنان، یعنی عاص بن وائل، شکل گرفت (ابن‌هشام، ۱۳۷۵ق: ۱/۱۴۳؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق: ۵۲/۱۸۶).

آیت الله العظمی صافی^{ره} در کتابش تأکید می‌کند که بنی‌امیه از شرکت در این پیمان خودداری کرده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۵ش: ۲۲۰).

۴-۳. وجه تسمیه حلف الفضول

در خصوص دلیل نام‌گذاری این پیمان به حلف الفضول وجوه متعددی وجود دارد.

(۱) برخی گفته‌اند چون حلف الفضول پس از حلف‌المطیین و حلف‌الاحلاف منعقد شد و پیمانی به غیر از این دو پیمان و افزون بر آنها بود، آن را به این نام خواندند (بغدادی، ۱۴۰۵ق: ۵۳؛ یعقوبی، ۱۳۵۸ق: ۱۸/۲).

(۲) برخی دیگر گفته‌اند این پیمان را به دلیل فضل و برتری آن بر دیگر پیمان‌هایی که تا آن روز میان عرب سابقه داشت، حلف الفضول نامیدند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ۱۴/۱۳۰ و ۲۰۳/۱۵).

(۳) طبق برخی از اقوال، دلیل نام‌گذاری این پیمان به حلف الفضول به خاطر شرافت و فضیلت کسانی است که آن را منعقد کردند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ۱۴/۱۳۰ و ۲۰۳/۱۵).

(۴) برخی این نام‌گذاری را به زییر بن عبدالمطلب، که از تیره بنی‌هاشم بود، نسبت داده و گفتند بنی‌هاشم به خاطر سبقت در این پیمان، فضیلت یافتند (بغدادی، ۱۴۰۵ق: ۱۸۷؛ مسعودی، ۱۳۶۵ش: ۲۱۰).

(۵) برخی دیگر دلیل نام‌گذاری این پیمان را اینگونه بیان کردند که هم‌پیمانان در حلف الفضول اموال زائد (فضول) بر نیاز خویش را بذل کردند.

(۶) برخی هم گفتند نخستین بار مردانی از جُرْهُم، که نام‌هایشان فضل بن فضاله و فضل بن وداعه و فضیل بن حارث بود، با یکدیگر هم‌پیمان شدند که از مظلوم حمایت کنند و

حق او را بگیرند و پیمان مورد بحث، به پیروی از پیمان جرهمی‌ها، حلف الفضول نامیده شد (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق: ۴۵۶/۳؛ یعقوبی، ۱۳۵۸ق: ۱۸/۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۱/۲).

۷) برخی نیز گفتند این پیمان حلف الفضول نامیده شد زیرا صاحبان قرارداد، متکفل فضلی شدند که بر آنها واجب نبود (همان: ۱۳/۲).

۵-۳. آثار و پیامدهای حلف الفضول

با نگاه دقیق به علت منشأ این پیمان و محتوای معاهده، می‌توان آثار و پیامدهای مهمی برای آن بیان کرد. مهم‌ترین آثار این معاهده را می‌توان در سه کارکرد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خلاصه کرد.

آنچه که از حلف الفضول بیان شد، گویای این مطلب است که این پیمان نقش مهم و اساسی در نظم‌بخشی به امور اجتماعی ایفاء کرد. جامعه‌ای که غالب تفکر و توجه مردمانش به این سمت باشد که از مظلوم باید دفاع کرد و در برابر ظلم ایستاد، جامعه‌ای امن خواهد بود و قطعاً امنیت، رشد اخلاقی و فرهنگی و رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

پیمان حلف الفضول روحیه‌ای خاص در اعراب ایجاد کرده بود مانند روحیه جوانمردی و روحیه یاری رساندن به فقرا و مستمندان که اصلی‌ترین و مهم‌ترین اثر این روحيات تحقق عدالت اجتماعی بود. چون این پیمان در شرایطی بود که هیچ‌گونه حکومت مرکزی وجود نداشت که از حقوق مردم به‌ویژه افراد غریبه حمایت کند. و این پیمان سبب شد که عدالت در جامعه نمایان شود و کسی به راحتی جرأت آزار رساندن به ضعیفان را نداشته باشد.

هر چند انگیزه‌های اجتماعی این پیمان پررنگ‌تر است، اما نمی‌توان از اثرات اقتصادی آن پیمان چشم پوشید.

همه می‌دانیم که اقتصاد خوب و پویا در گرو ارتباط مسالمت‌آمیز و دوستانه با اطرافیان است. اهالی مکه که رویکردی تجاری داشتند به خوبی واقف بودند که رونق تجارت آنها زمانی بهتر و بیشتر خواهد بود که با قبایل اطراف خود انس و الفت داشته باشند. با این نگاه می‌توان گفت که پیمان حلف الفضول نقش مهمی در رشد اقتصادی مردم مکه داشته است چرا که امنیت تجاری مردم مکه را تأمین کرده بود.

در رابطه با دستاورد سیاسی نیز می‌توان به سخن خلیل عبدالکریم استناد کرد. او در کتابش آورده است: «انعقاد حلف الفضول در حقیقت مرحله گذار در تاریخ سیاسی قریش است که پس از وفات عبدالمطلب و پیش از حکومت اشراف واقع شده است» (عبدالکریم، ۱۹۹۷م: ۸۹) او از این جهت پیمان مزبور را سیاسی می‌داند که هدف از برگزاری آن پر کردن خلأی بود که در حاکمیت شهر مکه پس از وفات عبدالمطلب به وجود آمده بود. چرا که با وجود چنین خلأی امنیت شهر مکه به مخاطره افتاده بود و با انعقاد چنین پیمانی این خطر از بین رفته بود.

با وجود وجوهی که برای پیمان حلف الفضول از آثار سیاسی و اقتصادی بیان کردند، باز هم نمی‌توان به راحتی این پیمان را یک پیمان سیاسی یا اقتصادی نامید، بلکه باید این پیمان را یک معاهده اجتماعی دانست که طبیعتاً در درون خود آثار اقتصادی و سیاسی نیز خواهد داشت.

۴. تحریفات در حلف الفضول

پیمان حلف الفضول به خاطر شرافت و قداستی که از حضور رسول خدا ﷺ به دست آورده بود، همواره مورد توجه قبائل متعدد بود و هر کسی سعی داشت با منتسب کردن خود به این پیمان به چهره خود و جاهت و آبرو بیخشد.

در این میان، نام دو طایفه بیشتر دیده می‌شود، یعنی بنی‌امیه و بنی‌عباس که تلاش کردند نام خود را در زمره شرکت کنندگان در این پیمان ثبت کنند. بنابراین لازم است به تحریفات صورت گرفته توسط سردمداران آنها اشاره شود.

۴-۱. بررسی حضور بنی‌امیه در حلف الفضول

بنی‌امیه به خاطر قدرت و امکاناتی که در اختیار داشت، پیوسته می‌کوشید به چهره خود آبرویی را بیخشد که فاقد آن بود. لذا با کمک مزدوران خود و با جعل احادیث، نام خود و ابوسفیان را در زمره شرکت کنندگان در این پیمان گنجانده.

آنقدر تکرار این واقعه در بین خودشان زیاد بود که خودشان باورشان شده بود که جزئی از اعضای پیمان هستند.

ابن هشام در سیره خود از ابن اسحاق روایت کرده است: «محمد بن جبیر بن مطعم بن عدی بن نوفل بن عبدمناف پس از قتل عبدالله بن زبیر به نزد عبدالملک بن مروان اموی رفت ... عبدالملک به او گفت: ای اباسعید آیا ما و شما در حلف الفضول نبودیم؟ محمد بن جبیر گفت: شما بهتر می دانید. عبدالملک گفت: ای اباسعید حق مطلب را در این باره به من بگو. محمد بن جبیر گفت: نه به خدا سوگند ما و شما در حلف الفضول نبودیم. عبدالملک گفت: راست گفتی» (ابن هشام، ۱۳۷۵ق: ۱/۱۳۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۵۲/۱۸۷).

یکی از افرادی که تلاش کرده تا نام بنی امیه را جزء حاضران در این پیمان قرار دهد، ابوهریره می باشد (ابن کثیر: ۲۹۱/۲؛ حلبی: ۱/۱۳۱). اما بسیاری از مورخین منکر شده اند و ابوهریره را در نقل این روایت همراهی نکرده اند (عاملی، ۱۴۲۷ق: ۲/۲۳۰).

علامه سید جعفر مرتضی، حضور بنی امیه و ابوسفیان در حلف الفضول را بر نمی تابد و چند دلیل بر رد حضور آنها ذکر می کند:

۱) دلیل اول اینکه این پیمان در واقع قراردادی بود بر ضد امویان. چرا که علت اصلی شکل گیری این قرارداد ظلم شخصی به نام عاص بن وائل (پدر عمرو بن عاص) بود که هم پیمان امویان بود. بنابراین چگونه ابوسفیان می توانست در این معاهده شرکت کند؟

۲) دیگر اینکه آن شخصی که بر او ظلم شده بود، قبل از هر کاری به نزد احلاف دیگر، که بنی امیه جزوی از آنها بود، رفته و پاسخی از آنها نشنیده و او را طرد کرده بودند، لذا چگونه می توان پذیرفت که ابوسفیان در این پیمان حضور داشته است؟

۳) دلیل دیگر اینکه وقتی به تاریخ زندگی ابوسفیان و طائفه او و خلقیاتش، مراجعه می کنیم، می توان به راحتی دریافت که این طائفه با آن سابقه سیاه، نمی توانستند در این پیمان حضور داشته باشند.

۴) دلیل آخر اینکه اباسفیان به دلیل نداشتن اعتبار و وجهت اجتماعی، شرایط شرکت در معاهده حلف الفضول را نداشت (همان: ۲/۲۳۱).

۲-۴. بررسی حضور بنی عباس در حلف الفضول

یکی دیگر از قبایلی که تمام تلاشش را انجام داده تا در زمره اعضای حلف الفضول باشد، بنی عباس است. بنی عباس با اجیر کردن جاعلان حدیث و با دادن مبالغ هنگفت، نام

عباس بن عبدالمطلب را جزو حاضرین در آن معاهده آوردند. آنان در صدد این بودند که بتوانند رقبای دیگر خود را در خلافت، از میدان خارج کرده و خود را وارث بلامنازع جانشینی رسول خدا ﷺ و دست آوردهای اسلام معرفی کنند.

در این رابطه باید متذکر شد که عباس بن عبدالمطلب کوچک‌تر از رسول خدا بود، بنابراین در آن زمان چه قدرت و نفوذی داشته که بتواند در کنار بزرگان قریش، در چنین پیمان مهمی شرکت کند و حق مظلومی را از ظالمی همچون عاص بن وائل سهمی بگیرد؟ (همان).

شاید کسی بگوید رسول خدا ﷺ در زمان انعقاد این معاهده، با عباس بن عبدالمطلب تقریباً هم سن بودند، پس چگونه نوجوانی عباس را دلیلی بر عدم حضور او در این معاهده می‌دانید؟ در جواب باید گفت درست است که رسول خدا ﷺ با عباس بن عبدالمطلب تقریباً هم سن بودند ولی آن چیزی که باعث شد پیامبر اکرم ﷺ جزو افراد این معاهده باشد، آبرو، و جاهت اجتماعی و اعتباری بود که عباس از آن محروم بود. رسول خدا ﷺ از همان دوران کودکی مورد احترام عموم جامعه بود و همه مردم او را به عنوان شخصی امین و صادق قبول داشتند. و همین دلیل، برای حضور رسول خدا ﷺ در این مجمع مهم کافی بود.

۵. حلف الفضول در مسیر تاریخ

در ابتدای این نوشتار آمد که با برقراری این معاهده، حق آن مرد یمنی از عاص بن وائل ستانده شد و به او بازگردانده شد، اما سؤالی که در این بخش مطرح می‌شود آن است که آیا از این معاهده، به غیر زمان عقد قرارداد، در وقت دیگری هم از آن استفاده شده است؟ و به عبارتی پیمان حلف الفضول تا چه زمانی ادامه یافت و باقی ماند؟

با مراجعه به این مصادر می‌بینیم که این معاهده همان‌گونه که در زمان خود جلوی ظلم ظالمی را گرفت، در مسیر تاریخ و در چند مورد دیگر هم مورد استفاده قرار گرفت و به وسیله آن حقوق افراد مظلوم به آنها بازگردانده شد که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد.

۱-۵. ماجرای نبیه بن الحجاج

در برخی از منابع تاریخ آمده است که مردی از قبیله خنعم به همراه دخترش به نام «قتول» برای انجام حج به مکه آمد. یکی از سران قریش به نام «نبیه بن حجاج» دختر او را ربود و

به نزد خود برد. مرد خثعمی برای بازگرفتن دختر خود به کنار خانه کعبه رفته و از مردم مکه و اعضای حلف الفضول یاری طلبید آن مرد و با فریاد بلند اعضای حلف الفضول را فراخواند. آنها با شمشیرهای برهنه نزد آن شخص آمدند و برای یاری او اعلام آمادگی کردند. متعهدین حلف الفضول، به نزد نبیه بن حجاج آمدند و پیش از آن که دست نبیه بن حجاج به آن دختر برسد، دختر را از وی گرفته و به پدرش برگرداندند (حلبی، ۱۴۲۷ق: ۱۹۲/۱؛ فاکهی، ۱۴۱۴ق: ۱۷۱/۵). با رجوع به منابع، آمده است که نبیه بن حجاج پدر «ام عبدالله» است و ام عبدالله همسر عمرو بن عاص است (اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ۳۵۲۶/۶).

۲-۵. حمایت عبدالله بن زبیر از امام حسن علیه السلام در برابر تهدید معاویه به قتل امام
در یکی از سفرهای معاویه به مدینه، امام مجتبی علیه السلام به ملاقات او نرفت. این کار امام علیه السلام بر او گران آمد و شکایتش را به نزد عبدالله بن زبیر برد و امام را تهدید به قتل کرد. عبدالله بن زبیر به او گفت که با حسن علیه السلام در حلف الفضول همراه است و اگر امام از وی بر ضد معاویه یاری بخواهد، او را اجابت می کند، اما معاویه ادعای او را در انتساب به حلف الفضول به تمسخر گرفت و رد کرد (افغانی، ۱۳۹۳ش: ۱۸۹/۱؛ مولف مجهول، ۱۹۷۱م: ۵۹/۱).

۳-۵. حلف الفضول در روز تدفین امام حسن مجتبی علیه السلام
پس از شهادت امام حسن علیه السلام هنگامی که برادر گرامیش امام حسین علیه السلام تصمیم داشت پیکر آن حضرت را در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن کند، عایشه با استناد به اینکه «بیتی لا آذن فیه» مانع این کار شد. مروان بن حکم هم اعلام کرد که اجازه چنین کاری را نخواهد داد. امام حسین علیه السلام از کسانی که در حلف الفضول همراه بنی هاشم بودند، کمک خواست. اینجا بود که کسانی از بنی تیم، بنی زهره، بنی اسد و بنی جعوبه مسلح شدند. امام حسین علیه السلام و پیروانش هر یک پرچمی داشتند و مروان نیز پرچمی برافراشت، و میان آنان تیراندازی نیز شد. شماری از مردم، امام حسین علیه السلام را راضی کردند تا به موجب وصیت خود امام حسن علیه السلام که فرموده بود اگر قرار است خونی ریخته شود، در همان بقیع، دفن شود، از اصرار خود دست بردارد (یعقوبی، ۱۳۵۸ق: ۲۲۵/۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۶۱/۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۶ق: ۱۸۴).

۴-۵. احتجاج امام حسین (ع) به حلف الفضول

مورد دیگری که به معاهده حلف الفضول استناد شد، اختلافی بود که بین امام حسین (ع) و ولید بن عتبہ رخ داد. مورد نزاع، مالی بود که متعلق به امام حسین (ع) بود و ولید آن را به زور غصب کرده بود. امام (ع) به ولید فرمود: «أحلف بالله، لتنصفني من حقي، أو لأخذن سيفي، ثم لأقومن في مسجد رسول الله ﷺ، ثم لأدعون بحلف الفضول؛ به خدای یکتا سوگند می‌خورم که اگر حق مرا ندهی شمشیر خود را برمی‌گیرم و در مسجد رسول خدا ﷺ می‌ایستم و مردم را به حلف الفضول دعوت می‌کنم.» این خبر به گوش مردم رسید و عبدالله بن زبیر و مسور بن مخرمه زهری و عبدالرحمان عثمان تیمی و برخی دیگر به حمایت از امام (ع) و دفاع از پیمان حلف الفضول برخاسته و آمادگی خود را برای این کار اعلام کردند، وقتی خبر به گوش ولید بن عتبہ رسید دست از ظلم و ستم برداشته و حق امام (ع) را به آن حضرت باز پس داد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۶۳/۲۱۰؛ ابن هشام، ۳۷۵ق: ۱/۲۴؛ علی، ۱۹۷۸م: ۸۹/۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۸: ۱/۲۶۲؛ ابن اثیر، ۱۴۱۷ق: ۱/۶۴۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۲/۱۴؛ عاملی، ۱۴۲۷ق: ۲/۲۳۱؛ یوسفی غروی، ۱۴۱۷ق: ۱/۳۱۳).

۵-۵. منازعه با معاویه

ابو هلال عسکری نقل می‌کند که نزاعی بین امام حسین (ع) و معاویه بر سر زمینی رخ داد که آن زمین متعلق به امام (ع) بود. حضرت به ابن زبیر فرمود: «خيره في ثلاله، والرابعة الصيلم: ان يجعلك او ابن عمر بيني وبينه، أو يقر بحقي ثم يسألني أن أهبه له أو يشتريه مني. فإن أبي فوالذي نفسي بيده لأهتفن بحلف الفضول...؛ تو معاویه را به سه کار مخیر کن. اول اینکه تو یا ابن عمر را بین من و خودش داور قرار دهد. دوم اینکه او اقرار کند که این زمین حق من است و من سپس آن زمین را به او هبه می‌کنم و سوم اینکه معاویه زمین را از من بخرد. اگر هیچ کدام از این موارد را معاویه نپذیرد، قسم به کسی که جانم در دست اوست، اعضای حلف الفضول را فرامی‌خوانم» (عسکری، ۱۴۰۸ق: ۶۰؛ عاملی، ۱۴۲۷ق: ۲/۲۳۳).

این ماجرا در کتاب الاغانی و برخی کتب دیگر، با اندکی اختلاف نقل شده است (اصفهانی، ۱۴۱۵ق: ۱۸۹/۱۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۱۸۰/۵۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ۱۵/۲۲۷).

۶-۵. ستم ابی بن خلف

در برخی از مصادر تاریخی آمده که شخصی از منطقه «بارق» برای تجارت به مکه آمد و کالایش را به ابی بن خلف فروخت، از آنجایی که ابی بن خلف مردی بد معامله بود حق آن شخص را نپرداخت. لذا مرد بارقی به نزد اهل حلف الفضول رفت و به کمک آنان حق خود را پس گرفت (بلاذری، ۱۷/۴۱۷، اق: ۱۳/۲).

در خلال چند واقعه تاریخی مذکور، این نکته مهم را می‌توان به دست آورد که اهل بیت علیهم‌السلام به تأسی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله این معاهده را قبول داشتند و با عملشان آن را امضاء کردند و بر تعهدی که جد بزرگوارشان بسته بود پایبند بودند.

نتیجه‌گیری

از بررسی پیمان حلف الفضول در بستر تاریخی با تکیه بر منابع فریقین به نتایج زیر دست پیدا می‌کنیم:

- پیمان حلف الفضول از محدود موضوعاتی است که اکثر قریب به اتفاق مغازی و تاریخ‌نویسان، به آن اشاره کرده‌اند. حلف الفضول، پیمانی بود که بین چند طائفه مشهور مکه با حضور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پیش از بعثت در ماه ذی‌القعدة مبتنی بر گرفتن حق مظلوم از ظالم به درخواست زبیر بن عبدالمطلب در منزل شخصی به نام «عبدالله بن جدعان» منعقد گردید. این پیمان به سبب حضور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دارای ارزش ویژه، مایه مباهات و افتخار قبایل بود به گونه‌ای که حتی شرکت در آن را معیار تقدم می‌دانستند.

- پیمان حلف الفضول با حلف المطیین متفاوت است. در خصوص اعضای پیمان حلف الفضول اختلافاتی وجود دارد. اما با نگاه به همه اقوال، قبیله بنی‌هاشم، وجه مشترک تمام آنهاست که در این پیمان مقدم و پیشرو بودند و این فضیلت منحصر به آنهاست. برخی از طوایف نیز یا وارد این پیمان نشدند و یا اینکه پس از ورود به پیمان و مواجه شدن با عاص بن وائل از این پیمان خارج شدند. مثلاً بنی‌عبدشمس و بنی‌نوفل، که از تیره‌های بنی‌عبدمناف هستند از این پیمان خارج شدند، زیرا این پیمان بر ضد بنی‌امیه و هم پیمان آنان، یعنی عاص بن وائل، شکل گرفت.

- در خصوص دلیل نام گذاری این پیمان به حلف الفضول وجوه متعددی وجود دارد. از جمله: فضل و برتری آن بر دیگر پیمان‌هایی که تا آن روز میان عرب سابقه داشت؛ شرافت و فضیلت کسانی است که آن را منعقد کردند؛ نسبت دادن این نام گذاری را به زبیر بن عبدالمطلب، که از تیره بنی هاشم بود، فضیلت یافتن بنی هاشم به خاطر سبقت در این پیمان؛ به پیروی از پیمان جرهمی‌ها که نام‌هایشان فضل بن فضاله و فضل بن وداعه و فضیل بن حارث بود، حلف الفضول نامیده شد و

- مهم‌ترین آثار این پیمان را می‌توان در سه کارکرد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برشمرد. این پیمان نقش مهم و اساسی در نظم بخشی به امور اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی ایفاء نمود. چراکه روحیه‌ای خاص در اعراب ایجاد کرده بود مانند روحیه جوانمردی و روحیه یاری رساندن به فقرا و مستمندان. با توجه به اینکه امنیت تجاری مردم مکه را نیز تأمین کرده بود، نقش مهمی در رشد اقتصادی مردم مکه داشت. از لحاظ کارکرد سیاسی نیز برگزاری چنین پیمانی موجب پر کردن خلأی بود که در حاکمیت شهر مکه پس از وفات عبدالمطلب به وجود آمده بود که با وجود چنین خلأی امنیت شهر مکه به مخاطره افتاده بود و با انعقاد چنین پیمانی این خطر از بین رفته بود.

- تلاش سردمداران بنی امیه و بنی عباس در ثبت نام خود در زمره شرکت کنندگان در این پیمان از تحریفات صورت گرفته نسبت به پیمان حلف الفضول، به شمار می‌آید. بسیاری از مورخین با دلایل متعددی منکر حضور آنان هستند از جمله: این پیمان در واقع قراردادی بود بر ضد امویان. چرا که علت اصلی شکل گیری این قرارداد شخصی به نام عاص بن وائل (پدر عمرو بن عاص) بود که هم پیمان امویان بود. دیگر اینکه آن شخصی که بر او ظلم شده بود، قبل از هر کاری به نزد احلاف دیگر، که بنی امیه جزوی از آنها بود، رفته و پاسخی از آنها نشنیده بود و او را طرد کرده بودند. دلیل دیگر اینکه اباسفیان به دلیل نداشتن اعتبار و وجهت اجتماعی، شرایط شرکت در معاهده حلف الفضول را نداشت. در رابطه با بنی عباس نیز باید متذکر شد که عباس بن عبدالمطلب کوچک‌تر از رسول خدا ﷺ بوده، بنابراین در آن زمان چه قدرت و نفوذ، آبرو، وجهت اجتماعی و اعتباری داشته که بتواند در کنار بزرگان قریش، در چنین پیمان مهمی شرکت کند.

- مورد استفاده قرار گرفتن این پیمان در طول تاریخ تا زمان امام حسین علیه السلام و امضاء این پیمان توسط اهل بیت علیهم السلام به تأسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله با تکیه بر شواهدی همچون ماجرای نبیه بن الحجاج؛ جریان تهدید به قتل امام حسن علیه السلام از جانب معاویه و حمایت عبدالله بن زبیر از امام؛ یاری خواستن امام حسین علیه السلام از کسانی که در حلف الفضول همراه بنی هاشم بودند در ماجرای تدفین امام حسن علیه السلام؛ دعوت مردم به حلف الفضول توسط امام حسین علیه السلام در جریان نزاع مالی بین ایشان و ولید بن عتبه و همچنین در جریان نزاعی که بر سر زمینی با معاویه داشتند؛ فراخواندن به حلف الفضول توسط مردی از منطقه «بارق» به جهت ستم ابی بن خلف.



منابع

کتابها

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ١. ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبه الله، (١٤٠٤ق)، شرح نهج البلاغه، قم: انتشارات آيت الله مرعشي نجفی.
- ٢. ابن اثير، عز الدين ابوالحسن علي بن محمد، (١٣٨٥ق)، الكامل في التاريخ، بيروت: دارصادر.
- ٣. ابن اثير، مبارك بن محمد بن عبد الواحد شيباني جزري، (١٣٩٩ق)، النهاية في غريب الحديث و الاثر، بيروت: مكتبة العلمية.
- ٤. ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي، (١٤١٢ق)، المنتظم في تاريخ الأمم والملوك، تصحيح و تنظيم: عطا مصطفى عبدالقادر، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ٥. ابن حبان، محمد بن حبان، (١٤١٤ق)، صحيح ابن حبان، بيروت: مؤسسة الرساله.
- ٦. ابن حنبل، أبو عبدالله احمد بن محمد، (١٤٢٢ق)، العلل و معرفة الرجال، رياض: دارالخاني، دوم.
- ٧. ابن سعد، محمد بن سعد، (١٤١٦ق)، ترجمه الامام الحسن، تهذيب و تحقيق: عبدالعزيز الطباطبائي، قم: موسسه آل البيت عليه السلام لاحياء التراث.
- ٨. ———، ———، (١٩٦٨م)، الطبقات الكبرى، بيروت: دارصادر.
- ٩. ابن عساکر، أبو القاسم علي بن الحسن، (١٤١٥ق)، تاريخ مدينة دمشق و ذکر فضلها و تسمية من حلها من الأمائل أو اجتاز بنواحيها من واديها و أهلها، بيروت: دارالفکر.
- ١٠. ابن كثير، أبو الفداء اسماعيل بن عمر، (١٤١٨ق)، البداية و النهاية، بيروت: دارالفکر.
- ١١. ابن منظور، محمد بن مكرم، (١٤١٦ق)، لسان العرب، بيروت: داراحياء التراث العربي.
- ١٢. ابن هشام، عبدالملك بن هشام، (١٣٧٥ق)، السيرة النبوية، بيروت: داراحياء التراث العربي.
- ١٣. ابوشهبه، محمد بن محمد، (١٤٢٧ق)، السيرة النبوية على ضوء القرآن و السنة، دمشق: دارقلم، هشتم.
- ١٤. اصفهاني، ابوالفرج علي بن الحسين، (١٤١٥ق)، الأغاني، بيروت: دار احياء التراث العربي.
- ١٥. اصفهاني، أبو نعيم أحمد بن عبدالله، (١٤١٩ق)، معرفة الصحابة، رياض: دار الوطن للنشر.

۱۶. افغانی، سعید بن محمد، (۱۳۹۳ش)، *أسواق العرب في الجاهلية والإسلام*، قم: موسسه فرهنگي و اطلاع رسانی تبيان.
۱۷. بغدادی، محمد بن حبيب، (۱۴۰۵ق)، *المُنَمَّق في اخبار قريش*، بيروت: عالم الكتب.
۱۸. بلاذري، ابوالحسن احمد بن يحيى، (۱۴۱۷ق)، *انساب الاشراف*، بيروت: دارالفكر.
۱۹. جوهری، اسماعيل بن حماد، (۱۳۶۸)، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية*، بيروت: دارالعلم للملایین.
۲۰. حلبی، علی بن ابراهيم بن احمد، (۱۴۲۷ق)، *السيرة الحلبية (إنسان العيون في سيرة الأمين المأمون)*، بيروت: دار الكتب العلمية.
۲۱. شافعی، أبو عبدالله محمد بن إدريس، (۱۴۱۰ق)، *الام*، بيروت: دارالمعرفة.
۲۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۳۹۵ش)، *پرتوی از عظمت امام حسین*، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، سوم.
۲۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، (۱۴۲۷ق)، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم ﷺ*، بيروت: المركز الاسلامي للدراسات.
۲۴. عبدالکريم، خليل، (۱۹۹۷م)، *قريش الى القبيلة الى الدولة المركزية*، قاهره: انتشارات سینا، دوم.
۲۵. عسکری، أبو هلال الحسن بن عبد الله، (۱۴۰۸ق)، *الاولائل*، طنطا: دار البشير.
۲۶. علی، جواد، (۱۹۷۸م)، *المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام*، بيروت: دار العلم للملایین.
۲۷. فاکهی، محمد بن اسحاق، (۱۴۱۴ق)، *أخبار مكة في قديم الدهر وحديثه*، بيروت: دارخضر، دوم.
۲۸. فراهیدی، خليل بن احمد، (۱۴۰۵ق)، *كتاب العين*، دار و مكتبة الهلال.
۲۹. مزى، جمال الدين يوسف بن عبد الرحمن، (۱۴۰۰ق)، *تهذيب الكمال في اسماء الرجال*، بيروت: مؤسسة الرساله.
۳۰. مسعودی، علی بن الحسين، (۱۳۶۵ش)، *التنبيه و الاشراف*، ترجمه ابوالقاسم پابنده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگي.
۳۱. مولف مجهول، (۱۹۷۱م)، *أخبار الدولة العباسية*، بيروت: دار الطليعة للطباعة و النشر.
۳۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۵۸ق)، *تاريخ یعقوبی*، بيروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۳. یوسفی غروی، محمد هادی، (۱۴۱۷ق)، *موسوعة التاريخ الاسلامی*، قم: مجمع الفكر الاسلامی.

مقالات

۱. بریری، احمد محمد، (۱۳۸۳ق)، «حلف الفضول»، منبر الاسلام، ۱۲/ صص ۷۸-۸۰.
۲. حبیبیان نقوی، سیده شریفه نبوی، (۱۳۸۶ش)، «احیای حلف الفضول سمبل عدالت در سیره رسول ﷺ»، اندیشه تقرب، ۱۱/ صص ۱۱۷-۱۳۸.
۳. کاظمی، سیدمحسن، (۱۳۹۶ش)، «حلف الفضول پیمانی فراقبیله‌ای در حمایت مظلوم»، دانشنامه حج و حرمین، ۸/ صص ۲۲۴-۲۳۱.
۴. محمد، محمد احمد، (۱۴۰۸ق)، «حلف الفضول»، منبر الاسلام، ۹/ صص ۱۲۶-۱۴۱.
۵. منتظری مقدم، حامد، (۱۳۸۲ش)، «بررسی پیمان‌های عصر جاهلی؛ همراه با رویکرد به: حلف المطیین و احلاف، ایلاف و حلف الفضول»، تاریخ اسلام در آئینه پژوهش، پیش شماره ۳، صص ۱۶۷-۲۰۴.

